

آلکون گولدنر (۱۹۸۱-۱۹۲۰)، جامعه‌شناس و روشن فکر آمریکایی، در سال ۱۹۷۰ با طرح ایده‌ی بحران در جامعه‌شناسی غرب، همه‌ی رویکردهای مسلط در جامعه‌شناسی مدرن را به چالش کشید. گولدنر در کتاب «بحران قریب‌الوقوع در جامعه‌شناسی غرب»، تفسیری کلاسیک از پایه‌های اجتماعی شکست کارکردگرایی جامعه‌شناختی در غرب و شکست مارکسیسم در شرق و به‌طور کلی، تفسیری انتقادی از تاریخ نظریه‌ی اجتماعی ارائه کرد. این کتاب به‌ویژه در میان کسانی که در واکنش به سرخوردگی‌شان از رادیکالیسم سیاسی دهه‌ی ۱۹۶۰، به جامعه‌شناسی روی آورده بودند، سر و صدای زیادی به پا کرد.

بر خلاف دیدگاه رایج مبنی بر این‌که علم به‌طور عام و جامعه‌شناسی به‌طور خاص، با تولید حقایق عینی سروکار دارد، گولدنر بر این باور بود که شناخت علمی مستقل از عامل‌شناسنده نیست و جامعه‌شناسی شدیداً با زمینه‌ی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی‌ای که در آن به سر می‌برد، درهم تنیده شده است. کتاب گولدنر، اگرچه همه‌ی رویکردهای مدرن در جامعه‌شناسی را زیر سؤال برد، بیشترین انتقاد را به نظریه‌ی ساختی-کارکردی پارسنز وارد کرد.

اما بحران در جامعه‌شناسی ایران فراتر و عمیق‌تر از بحرانی است که گولدنر در جامعه‌شناسی غرب تشخیص داده بود. تأکید بر سنت ساختی کارکردی پارسنز در جامعه‌شناسی ایران، شاید یکی از نشانه‌های کوچک بحرانی بودن وضعیت جامعه‌شناسی ایران باشد و نه همه‌ی آن. البته بحرانی بودن جامعه‌شناسی ایران مورد وفاق همه‌ی جامعه‌شناسان ایرانی نیست. عده‌ای از جامعه‌شناسان ایرانی، جامعه‌شناسی در ایران را با همه‌ی کاستی‌هایی که دارد، با نشاط، پویا و محبوب معرفی می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز، بدبینانه از فقدان پدیده‌ای تحت عنوان «جامعه‌شناسی ایران» سخن می‌گویند. وضعیت جامعه‌شناسی ایران را بحرانی و ناکارآمد می‌دانند و خواستار تجدیدنظر بنیادگرایانه در آن هستند.

به نظر می‌رسد، اختلاف نظر در این زمینه ناشی از انتظارات متفاوت طرفین بحث در باره‌ی جامعه‌شناسی، و کاربرد شاخص‌های متفاوت در ارزیابی وضعیت موجود جامعه‌شناسی ایران است. عده‌ای تعداد مقالات و کتاب‌های منتشر شده از سوی محققان ایرانی در نشریات داخلی و خارجی را بهترین شاخص پیشرفت علمی می‌دانند. عده‌ای نیز میزان شکل‌گیری روحیه‌ی علمی، عادت‌واره‌ی خاص و مستقل علمی و شخصیت فرهیخته‌ی را، معیار مناسبی برای ارزیابی وضعیت جامعه‌شناسی در ایران می‌دانند. شاخص دیگر برای ارزیابی این است که نظر خود جامعه‌شناسان را در مورد وضعیت جامعه‌شناسی در ایران جویا شویم. یعنی در درون جامعه‌شناسی و از منظر جامعه‌شناسان این ارزیابی را انجام دهیم.

«رشد آموزش علوم اجتماعی»، تاکنون دو شماره‌ی خود را به موضوع «جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران»، یعنی مطالعه‌ی جامعه‌شناسانه‌ی جامعه‌شناسی اختصاص داده است (شماره‌های ۱۹ و ۳۲). اما به دلیل اهمیت موضوع، شماره‌ی حاضر را نیز به همین عنوان اختصاص داده‌ایم. خصلت اطلاع‌رسانی مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی اقتضا می‌کند که اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید جامعه‌شناسان خارجی نیز به اطلاع خوانندگان محترم مجله برسد. به همین دلیل، یکی از جدیدترین مقالات آقای آلن تورن، جامعه‌شناس فرانسوی ترجمه شده و در همین شماره به چاپ رسیده است. در مقاله‌ی جداگانه‌ای نیز آرا و آثار آلن تورن معرفی و نقد شده است. امید است مطالب این شماره از مجله بتواند، خوانندگان محترم را با آخرین وضعیت جامعه‌شناسی در جهان و ایران آشنا کند و آنان را در آموزش هرچه بهتر علوم اجتماعی یاری رساند.

جامعه‌شناسی در ایران

بحرانی یارو به رشد؟

● سخن سردبیر